

امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

رشته فقه ۹۶

مهر مدرسه

ساعت برگزاری: ۱۰ صبح | شماره: ۱۳ | مدت: ۶۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان :	۳۹۷۲/۰۹
تاریخ آزمون :	۱۳۹۸/۰۴/۰۲
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	حلقه نالته - جزء دوم
محدوده:	از ابتدای الوظيفه في حالة العلم الاجمالي تا ابتدای ارکان الاستصحاب

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علیه: شهرستان: استان:

۱- با اضطرار به طرف معینی از اطراف علم اجمالی (در صورتی که اضطرار بعد از علم اجمالی حاصل شود)، کدام رکن علم اجمالی از بین می‌رود؟ ص ۱۲۷

/۵

[با توجه به عدم گزینه صحیح در این سؤال، نمره آن، برای سؤال ۵، لحاظ گردد.]

- الف. الرکن الاول
- ب. الرکن الثانی
- ج. الرکن الثالث
- د. الرکن الرابع

۲- دلیل قائلین به عدم حجیت علم اجمالی در صورت قیام اماره کدام چیست؟ ص ۱۱۳

/۵

- الف. ان تعارض الاصول لایؤدی الی المخالفة القطعية
- ب. ان الامارة حاکمة علی الاصول المتعارضة
- ج. ان دلیل الحجية يجعل الامارة علماً تعبدیاً
- د. ان الامارة لا تستدعی حرمة المخالفة القطعية

۳- چرا مشهور در صورتیکه برخی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء خارج شود، قائل به عدم علم اجمالی (اخلال در رکن اول) هستند؟ ص ۱۵۲

/۵

- الف. ان القدرة شرط الملاك شرعاً
- ب. ان الابتلاء شرط الملاك عقلاً
- ج. ان الابتلاء شرط التكليف عقلاً
- د. ان القدرة شرط التكليف شرعاً

۴- در روایت «انی أعیر الذمی ثوبی و أنا أعلم انه یشرب الخمر ... لا تغسله من أجل ذلك، فإنک أعرته إياه و هو طاهر» چرا روایت ظهور در استصحاب دارد نه در قاعده طهارت؟ ص ۲۳۰

/۵

- الف. للعموم فی مدلولها اللفظی
- ب. بقرینة انه لم یستیقن انه نجسه
- ج. لان اصالة الطهارة اصل تنزیلی
- د. بقرینة اخذ الحالة السابقة فی مقام التعلیل

۵- آیا «جامع» بنا بر هر دو مبنا در حقیقت علم اجمالی (علم به جامع و علم به واقع) منجز است؟ چرا؟ ص ۸۵

۱

[۵/ نمره سؤال ۱، برای این سؤال، لحاظ گردد]

جواب: بله بر هر دو مبنا؛ بنا بر مبنای اول که واضح است زیرا متعلق علم، جامع است و اما بنا بر اینکه متعلق علم اجمالی واقع باشد زیرا جامع در ضمن فرد معلوم است و بنا بر آن عقل به تنجز جامع و لو ضمن فرد حکم می‌کند.

۶- چرا شهید صدر (ع) دلیل محقق نائینی (ع) را بر وجوب موافقت قطعی (تعارض اصول در اطراف) نمی پذیرد؟ با توجه به

تفکیک برائت عقلی و شرعی توضیح دهید. ص ۹۴-۹۳

۲

جواب: اگر مراد از اصول ترخیصیه، برائت عقلی باشد در این صورت می توان ابتدائاً در زائد از جامع برائت را جاری کنیم و محذوری پیش نمی آید. برائت در وجوب بما هو مضاف به فرد جاری می شود اگرچه برائت در وجوب بما هو مضاف به جامع جاری نمی شود زیرا به مقدار جامع بیان دارد و از موضوع برائت خارج است] و اگر مراد از اصول ترخیصیه، برائت شرعی است در این صورت اگر چه برائت جاری می شود و تعارض می کنند اما موجب تنجز تکلیف نیست زیرا در احتمال باقی بعد از تعارض اصول ترخیصیه شرعی، برائت عقلیه جاری می شود و در نتیجه منجز تکلیف نیست.

۲

۷- مراد از «انحلال حکمی» چیست؟ سه شرط آن را بنویسید. ص ۱۳۲

جواب: اگر اصول و اماراتی که منجز تکلیف هستند در بعضی از اطراف علم اجمالی جاری شوند رکن سوم از ارکان علم اجمالی از بین رفته، منحل می شود با شرائطی: ۱. مقدار منجز بوسیله اصل یا اماره کمتر از مقدار معلوم به علم اجمالی نباشد. ۲. تکلیف منجز به اصل یا اماره همان تکلیف معلوم بالاجمال باشد نه مغایر با آن. ۳. وجود منجز شرعی متأخر از حدوث علم اجمالی نباشد.

۸- اعتراض و جواب مطرح در عبارت: «قد يعترض على اجراء البرائة عن وجوب الزائد في الدوران بين الاقل والاکثر في الاجزاء على اساس دعوى وجود العلم الاجمالي المانع عن اجراء البرائة... و اجيب عنها بان العلم الاجمالي منحل بالعلم التفصيلي

بوجوب الاقل على كل تقدير (واجب نفسی او واجب غیری) ...» تبیین نمایید. ص ۱۷۵-۱۷۴

۲

جواب: اعتراض: بر جریان برائت در اقل و اکثر اشکال کرده اند که به دلیل وجود علم اجمالی، امکان اجرای برائت نیست به این نحو که علم اجمالی به وجوب اقل یا وجوب زائد نیست که نتوان زائد را بدیل اقل و طرف علم اجمالی فرض کرد بلکه علم اجمالی بوجوب اقل یا وجوب اکثر مشتمل بر زائد است و با توجه به این مطلب نمی توان اصل برائت را در زائد جاری نمود زیرا جزئی از یک طرف علم اجمالی است. جواب: علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به وجوب اقل (نفسی یا غیری) و شک بدوی در زائد زیرا اگر واجب، اقل باشد که واجب است به وجوب نفسی و اگر اکثر واجب باشد، اقل واجب غیری است زیرا جزء واجب است و جزء مقدمه واجب، در نتیجه می توان در زائد اصل برائت جاری نمود.

۹- در هنگامی که مکلف جزئی از نماز را فراموش کرده و داخل وقت بیاد بیاورد، چه اصل عملی جاری می شود؟ با توجه به مبحث

شک در «اطلاق جزء» با دلیل توضیح دهید. ص ۲۰۳-۲۰۲

۲

جواب: اصل عملی برائت است. زیرا مکلف علم اجمالی دارد به اینکه یا نماز با تمام اجزاء واجب است فقط یا جامع بین نماز تامه و ناقصه. [به این معنا که اتیان به نماز تامه در حال عدم فراموشی مانند اتیان به نماز ناقصه است در هنگام فراموشی] در صورت اول به این معنا است که جزئیات اطلاق دارد حالت نسیان را و در صورت دوم اختصاص دارد جزئیات هنگام عدم نسیان. و در این مورد دوران بین تعیین و تخییر عقلی می شود که از انحاء دوران بین اقل و اکثر است. که جامع اقل محسوب می شود نماز تامه اکثر و برائت جاری می شود.

۱۰- با توجه به فرضیه چهارم در فقه روایت: «فان ظننت انه (ای دم رعاف) قد اصابه و لم اتيقن ذلك، فنظرت فلم ار شيئاً، ثم صليت فرأيت فيه؟ قال: تغسله و لا تعيد الصلاة قلت: و لم ذلك؟ قال: لآنك كنت على يقين من طهارتك ثم شككت..» که شك

هم حين فحص و هم حين وجدان فرض می شود، جریان قاعده یقین واستصحاب را بررسی کنید. ص ۲۱۶

۲

جواب: گمان می کند به نجاستی متلوث است فحص می کند و چیزی نمی یابد پس بر شك خود باقی می ماند سپس نماز می خواند و نجاستی را می بیند ولی شك دارد این نجاست همان نجاستی است که فحص کرده و نیافته یا نجاست دیگری است (۵/نمره) قاعده یقین جاری نمی شود زیرا شك در خطای یقین سابق حاصل نشده است (۵/نمره) استصحاب حال صلاة جاری می شود زیرا ابتدا قبل از ظن به نجاست یقین دارد و حال صلاة [بعد فحص] شك می کند استصحاب جاری می شود و همچنین استصحاب حال سوال نیز جاری می شود زیرا ابتدا قبل از ظن به نجاست یقین دارد بعد از نماز شك می کند در نجاست استصحاب جاری می شود (۱ نمره)

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»